

سنة الفقه الزعماني

التأليف الإسلامي به رواية اسناداواك

اسم كرماني

كتاب دوم

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک: استان کرمان / مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵.

۱۵ ج.: مصور (رنگی)

شابک دوره: ۸-۰۹۵-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۱: ۵-۰۹۶-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال؛
ج ۲: ۲-۰۹۷-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸؛ قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال؛ ج ۳: ۳-۰۹۸-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸؛ قیمت:
۲۸۰۰۰۰ ریال؛ ج ۴: ۴-۰۹۹-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸؛ قیمت: ۲۷۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

ج. ۲-۴ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیا)

کتابنامه.

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- کرمان (استان) -- اسناد و مدارک

سازمان اطلاعات، امنیت کشور -- اسناد و مدارک

Sazman Etela'at va Amniyat Keshvar -- Sources and Documents

Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Kerma (Province) -- Sources

ایران -- تاریخ -- ۱۳۵۷-۱۳۶۰، اسناد و مدارک

Iran -- History -- Persian, 1941-1978 -- Sources

ایران -- وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی

رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۵ الف ۴، DSK ۱۵۶۰

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۷۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۱۶۶۰۰

شناسنامه

عنوان: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان کرمان (کتاب دوم)

ناشر: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۲-۰۹۷-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸ (کتاب دوم)

ISBN: 978 - 600 - 149 - 097 - 2 (VOL.2)

شابک دوره: ۸-۰۹۵-۱۴۹-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 149 - 095 - 8 (VOL. SET)

<http://www.historydocuments.ir>

E-mail: info@historydocuments.ir

صندوق پستی: ۴۷۳۵ - ۱۹۳۹۵

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن ناشر	پنج
مقدمه	نه
۱) نبرد تبلیغاتی	نه
۲) جشن‌های ۲۵۰۰ ساله؛ شکوه پوشالی	یازده
۳) جلسات قرائت قرآن و تشکیل انجمن‌ها؛ جنبی	سیزده
۴) تحریم جشن‌ها و مراسم رسمی رژیم	چهارده
۵) جلوگیری از ارتباط اقشار مختلف با روحانیون	پانزده
۶) دستگیری‌ها	پانزده
اسناد	۱
فهرست اعلام	۴۰۷
ضمائم	۴۲۵
تصاویر	۴۵۵

سخن‌ناش

کتاب دوم از مجموعه «انقلاب اسلامی» به روایت اسناد ساواک: استان کرمان» مقطعی از تاریخ اجتماعی - سیاسی استان کرمان را نشان می‌دهد که نهضت حضرت امام (ره) در حال عبور از موج اولیه‌ی ضربات سهمگین رژیم پهلوی بود. این دوره‌ی زمانی که از آذرماه ماه ۱۳۴۶ تا شهریور ۱۳۵۱ ه.ش را دربرمی‌گیرد، از دو منظر تاریخی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد: نخست در پیوند با مجموعه حوادث و رویدادهای کشور و دیگر به صورت مشخص و مجزا.

از آنجایی که گستره‌ی جغرافیایی نهضت حضرت امام (ره) کل کشور بود، لذا باید حرکت مردم استان کرمان را در پیوند با سایر حوادث کشور بررسی کرد. با این وجود به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد هر استان بنا به مقتضیات سیاسی، جغرافیای اختصاصی و فرهنگی، لازم است تا به صورت مجزا و خاص نیز رویدادهای هر منطقه از کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به دلیل اهمیت این موضوع در این مقدمه ابتدا اوضاع کشور در مقطع زمانی (۳۵۱ - ۱۳۴۶ ه.ش) مورد بررسی قرار گرفته و سپس اقدامات و چالش‌های انقلابیون استان به اختصار تشریح شده و داده خواهد شد. از مهمترین موضوعات این مقطع زمانی که در اسناد این مجلد بازتاب پیدا کرده اند باید به موارد زیر اشاره کرد: دستگیری تعدادی از طرفداران حضرت امام (ره) توسط ساواک به بهانه‌های مختلف، شهادت آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی، در گذشت آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم و مرجعیت عامه حضرت امام (ره)، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، برگزاری جشن دهه‌ی انقلاب سفید، دستگیری و بازداشت تعدادی از جوانان استان کرمان به اتهام تشکیل شبکه مبارزاتی، افزایش شعارنویسی و انتشار عکس‌ها و توضیح المسائل حضرت امام در استان کرمان.

در پایان برای فهم و استفاده بهتر از اسناد ذکر مواردی چند ضروری به نظر می‌رسد:

۱- به علت آمدن تصاویر اسناد، از حروف چینی سربزرگ سندها خودداری و صرفاً به درج مبدأ،

مقصد، تاریخ، شماره و موضوع اکتفا شده است.

۲- اسناد به ترتیب تاریخ گزارش واقعه تنظیم شده و پس از آن اولویت به؛ تاریخ وقوع، تاریخ رسیدن خبر به منبع، تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات و تاریخ پی‌نوشت است.

۳- برای گردآوری این مجموعه، کلیه پرونده‌های انفرادی و موضوعی مربوط به استان کرمان مورد بررسی و بهره‌برداری قرار گرفته و در گزینش اسناد، سندهای تکراری حذف شده است. در میان سندهایی که محتوای مشابه داشته‌اند، اولویت به سندی داده شده که حجم بیشتری از جزئیات موضوع را در بر داشته است. ضمناً اسناد تایپ شده به مشابه دستنویس آن ترجیح داده شده است.

۴- عناصر مهم و مؤثر اعم از زندگینامه مختصر رجال، شرح وقایع، مکان‌های تاریخی و ... که نیاز به گویاسازی داشته، انجام و در ذیل اسناد ارائه شده است. گویاسازی‌ها در برخی از اسناد به صورت توضیح سند با سببی دیده می‌باشد.

۵- در بعضی از اسناد عباراتی مانند: بایگانی شود، امضای مسئولین ساواک، شماره پرونده، دستور اقدام، پی‌نوشت و ... به کار رفته است که عیناً با قلمی متفاوت از متن اصلی حروفچینی شده است.

۶- در برخی گزارش‌های ساواک نظریه‌های وجود دارد که از شخص نظردهنده با کلمات رمز یاد شده است. این کلمات رمز معمولاً نامی، رزهای هفته و معنای آنها به شرح زیر است:

نظریه شنبه: نظریه منبع نفوذی ساواک (سازمان) است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راه‌های دیگر کسب خبر نموده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که گزارشی نفوذی را تأیید یا تحلیل می‌کند.

نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات است.

نظریه سه‌شنبه: نظریه رئیس امنیت داخلی است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه است.

نظریه جمعه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان است.

۷- در سربرگ سندها برخی علائم با رمز آمده است. از جمله آنها مبدأ و یا مقصد نامه‌ها و گزارش‌ها است که منظور از آن رمزها عبارتند از:

۱) (ساواک گیلان)، ۲) (ساواک مازندران)، ۳) (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴) (ساواک آذربایجان غربی)، ۵) (ساواک کرمانشاه)، ۶) (ساواک خوزستان)، ۷) (ساواک فارس)، ۸) (ساواک کرمان)، ۹) (ساواک خراسان)، ۱۰) (ساواک اصفهان)، ۱۱) (ساواک سیستان و بلوچستان)، ۱۲) (ساواک کردستان)، ۱۳) (ساواک همدان)، ۱۴) (ساواک سمنان)، ۱۵) (ساواک لرستان)، ۱۶) (ساواک بوشهر)، ۱۷) (ساواک هرمزگان)، ۱۸) (ساواک کهگیلویه و بویراحمد)، ۱۹) (ساواک چهارمحال و بختیاری)، ۲۰) (ساواک تهران)، ۲۱) (ساواک قم)، ۲۲) (ساواک اراک)، ۲۳) (ساواک

قزوین)، ۲۴هـ (ساواک ایلام)، ۲۵هـ (ساواک زنجان)، ۲۶هـ (ساواک یزد).

۸- همچنین مبدأ یا مقصد نامه‌ها و گزارش‌های مربوط به اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) به اعداد رمز عنوان شده است. اداره کل سوم از هفت بخش تشکیل می‌شد که عبارت بودند از:
۱- مدیریت اداره کل سوم ۲- اداره یکم عملیات و بررسی ۳- اداره دوم عملیات و بررسی ۴- اداره سوم کل سوم ۵- اداره چهارم کل سوم ۶- اداره پنجم کل سوم ۷- اداره ششم کل سوم.

اجزاء اداره یکم عملیات و بررسی شامل: ۳۱۰ (دفتر اداره یکم عملیات و بررسی)، ۳۱۱ (بخش احزاب و دستجات کمونیستی)، ۳۱۲ (بخش احزاب و دستجات سیاسی و مذهبی افراطی)، ۳۱۳ (بخش هدف‌های تازه و فعالیت‌های مربوط به عرب‌زبانان ناراحت و بلوچ‌های حاد ایرانی)، ۳۱۴ (اکراد) و ۳۱۵ (فعالیت‌های ارجح) بوده است.

اجزاء اداره دوم عملیات و بررسی شامل: ۳۲۰ (دفتر اداره دوم عملیات و بررسی)، ۳۲۱ (بخش دانشگاه تهران)، ۳۲۲ (بخش دانشگاه ا و مراکز عالی آموزشی تهران)، ۳۲۳ (بخش دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی استان‌ها و شهرستان‌ها) و ۳۲۴ (بخش آموزش و پرورش و مدارس در تهران و استان‌ها و شهرستان‌ها) بوده است.

اجزای اداره کل سوم شامل: ۳۳۰ (دفتر اداره سوم کل سوم)، ۳۳۱ (بخش ممالک اسکاندیناوی و اروپای شرقی)، ۳۳۲ (بخش کشورهای اروپای غربی)، ۳۳۳ (بخش آمریکا، کانادا و آمریکای جنوبی و مرکزی) و ۳۳۴ (بخش خاورمیانه و کشورهای غربی و ممالک آسیا و آفریقا) بوده است.

اجزای اداره چهارم کل سوم شامل: ۳۴۰ (دفتر اداره چهارم کل سوم)، ۳۴۱ (بخش احزاب و دستجات راست، انجمن‌ها و اتحادیه‌های دولتی و خصوصی)، ۳۴۲ (بخش وزارتخانه و ادارات و سازمان‌های دولتی)، ۳۴۳ (بخش کارگری)، ۳۴۴ (بخش اصناف بازرگانی)، ۳۴۵ (بخش کشاورزان و امور زراعی)، ۳۴۶ (بخش عشایر و قاچاق اسلحه و مهمات و کالا)، ۳۴۷ (بخش جراید و سینما و تلویزیون)، ۳۴۸ (بخش نارضایتی‌های عمومی) و ۳۴۹ (بخش روابط عمومی) بوده است.

اجزای اداره پنجم کل سوم شامل: ۳۵۰ (دفتر اداره پنجم کل سوم)، ۳۵۱ (بخش دکترین و آموزش و سازمان و وظایف رهبران عملیات امنیت داخلی)، ۳۵۲ (بخش سانسور و کنترل مکاتبات) و ۳۵۳ (بخش منابع و مأموران و گروه‌های تعقیب و مراقبت) بوده است.

اجزای اداره ششم کل سوم شامل: ۳۶۰ (دفتر اداره ششم کل سوم)، ۳۶۱ (بخش فیش)، ۳۶۲ (بخش بایگانی) و ۳۶۳ (بخش بررسی و تجزیه) بوده است.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

مقدمه

۱) نبرد تبلیغاتی

در نیمه دوم دهه‌ی ۴۰ رژیم پهلوی، موج اولیه‌ی قیام‌های مردمی به رهبری حضرت امام (ره) را با تبعید ایشان پشت‌سر گذاشت. به تدریج بر اوضاع کنترل نسبی پیدا کرد. جانشینی «امیرعباس هویدا» به جای «سنبل منور» که به دست «شهید محمد بخارایی» از اعضای هیئت مؤتلفه‌ی اسلامی در اول بهمن سال ۱۳۴۱ به قتل رسید، ایده‌آل محمدرضا پهلوی برای کار با یک نخست‌وزیر مطیع و فاقد اراده‌ی سیاسی بود. در این شرایط اعتماد آمریکایی‌ها به محمدرضا بیشتر از قبل شده و به جای استفاده از نخست‌وزیرین وابسته، مستقیماً از طریق او سیاست‌های خود را اجرا می‌کردند. تثبیت نسبی اوضاع سیاسی و رفاه ایجاد شده برای برخی از قشرهای کشور، این امکان را به رژیم می‌داد که در عرصه‌ی تبلیغات به دنبال جای پای در میان توده‌های مردم باشد. سیاست رژیم در این مورد تأکید بر مفاهیمی چون بازتاب‌گرایی افراطی، غربی‌کردن جامعه و در نهایت ارائه‌ی تصویری با شکوه و وحدت‌بخش از «شاهنشاه» به عنوان عامل یکپارچگی، حافظ وحدت و افتخار ایران و عامل پیشرفت کشور بود. برای تحقق این مفهوم رژیم در چند عرصه مهم از جمله آموزش و پرورش، سینما و تلویزیون، روزنامه و مجلات، و برگزاری جشن‌های ملی به شدت به تکاپو افتاد. تحقق این برنامه‌ها علاوه بر اینکه برای رژیم مشروعیت ایجاد می‌کرد، می‌توانست به حذف مهم‌ترین رقیب رژیم که روحانیت باشد منتهی شود. سپردن آموزش و پرورش به دست «فرخرو پارسای» (۱۳۴۹ - ۱۳۴۷ ه.ش) از اعضای تشکیلات بهائیت و اقدامات وی از قبیل تغییر محتوای کتاب‌ها، بستر سازی برای ورود بهائیان به آموزش و پرورش، و مخالفت با حجاب معلمان و شاگردان در راستای تحقق این هدف بود.^۱

۱. در کابینه امیرعباس هویدا که خود بهایی بود ۹ وزیر بهایی و ماسونی عضویت داشتند.

سینما و تلویزیون نیز با ساخت و نمایش فیلم‌های غیراخلاقی و سرگرم‌کننده به دنبال غربی کردن جامعه و فاصله انداختن میان مردم و باورهای مذهبی بودند. در این فیلم‌ها صرف‌نظر از صحنه‌های غیراخلاقی به نمایش در آمده که مغایر با ارزش‌های ایرانی-اسلامی جامعه بود، روحانیت و باورهای مذهبی مردم دستمایه‌ی ثابت طنزها و انتقادات شدید بود. روزنامه و مجلات نیز به مانند سابق منعکس کننده سیاست‌های رژیم و پیشقراول تغییر الگوهای سنتی جامعه با ارزش‌های غربی بودند. جامعه‌ی هدف برای مطبوعات، نسل جوان، خصوصاً زنان و دختران بودند. مطالب و دیدنمایه‌ی مجلات پرتیراژی مانند زن روز، اطلاعات بانوان و ده‌ها مجله‌ی دیگر چیزی جز اغفال زنان، دختران و مقابله با ارزش‌های اسلامی نبود. این مجلات با اجرای برنامه‌هایی مانند «دختر شایسته» به دنبال جایگزین کردن معیار و نمادهای غربی به جای الگوهای سنتی برای دختران بودند. راس این برنامه‌های «تربیتی» کسی جز محمدرضا و فرح پهلوی که به تازگی به عنوان نایب السلطنه معرفی شده بود، و طیف گسترده‌ای از روشنفکران غربزده قرار نداشتند.

به این ترتیب جامعه ایرانی در حال پوست اندازی و ورود به دنیای جدیدی بود، نمادهای شهری به تدریج تغییر پیدا کرده و غربی شدن جامعه در معماری، دکوراسیون، پوشش و حتی تعاملات اجتماعی در حال رخنمایی بود. در کنار ظاهر شهرها که در حال تغییر بودند، برخلاف انتظار گرایش به مذهب و معنویات در میان جوانان در حال رشد بود. در «یادداشت‌های علم» بارها به تعجب محمدرضا پهلوی از وجود زنان حجب در کشور به رغم تلاش دستگاه تبلیغاتی رژیم برای مبارزه با حجاب اشاره شده است.^۱

جشن‌ها و برنامه‌های رژیم نیز در راستای تحقق این هدف بود. «جشن هنر شیراز» یکی از برنامه‌هایی بود که از سال ۱۳۴۶ شروع به فعالیت کرد و در سول سال به یکی از مهم‌ترین فستیوال‌های هنری جهان تبدیل شد.^۲ به باور بسیاری از کارشناسان دانش و تاراجی این جشن‌ها چنان با استقبال منفی مردم مواجه شده‌اند که حتی برخی آن را عامل انحطاط رژیم پهلوی می‌دانند. در این جشن‌ها فرهنگ ملی و اصیل ایرانی عملاً نادیده گرفته شده و هنر غربی که فاقد معنویت و ارزش‌های الهی - انسانی بود تبلیغ می‌شد.

این مراسم در سال‌های پایانی رژیم، به چنان ابتدالی رسید بود که حتی سفرای خارجی از جمله «آنتونی پارسونز» سفیر انگلستان نیز خطر ادامه‌ی آن را برای حاکمیت پهلوی به شاه گوشزد

۱. رک: یادداشت‌های علم، به کوشش علینقی علیخانی، ۷ جلد، تهران، انتشارات معین، ۱۳۹۳. اسداله علم همواره در پاسخ به این پرسش شاه، به جای واقع نگری و پذیرفتن نقش مذهب در زندگی مردم به صورتی ساده لوحانه بیگانگان را عامل گرایش ایرانیان به حجاب می‌داند.

۲. نک: جشن هنر شیراز به روایت اسناد ساواک، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱

می کردند:

«من [پارسونز] به خاطر دارم که این موضوع را با شاه در میان گذاشتم و به او گفتم اگر چنین نمایشی به طور مثال در شهر منچستر انگلیس اجرا می شد کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به در نمی بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت. بازتاب سیاسی چنین واقعه ای در هر زمان بد بود چه برسد به شرایط آن روز ایران که در کنار هیجانات سیاسی نشانه هایی از اوج گرفتن احساسات مذهبی مردم و گرایش به سنن مذهب در سراسر کشور به چشم می خورد.»^۱

به رغم اهمیت و تأثیرگذاری جشن هنر شیراز برای دستگاه تبلیغاتی رژیم، بی تردید مهم ترین برنامه رژیم پهلوی جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی بوده است. در این جشن که به مدت ۴ روز (۲۰ مهر تا ۲۴ مهر ۱۳۵۰) در تئاتر خورشید برگزار شد، سران حکومتی و پادشاهان ۶۹ کشور جهان حضور پیدا کردند و محمدرضا شاه «صادر نرزان فصلی جدید از سلطنت خود را آغاز کرد».

۲) جشن های ۲۵۰۰ ساله؛ شکوه پوشالی

شاید کمتر رویدادی در رژیم پهلوی به اندازه جشن های دو هزار و پانصد ساله مورد انتقاد داخلی و خارجی قرار گرفته باشد. این رویداد که برگزاری آن از اواسط دهه ی چهل به وسیله شجاع الدین شفا معاون فرهنگی دربار و مسئول ایران شناسی مطرح شده بود، به نمادی برای تجمل و بی خبری رژیم پهلوی از اوضاع کشور تبدیل شد. هزینه های مراسم این جشن چنان بود که در همان زمان بازتاب وسیعی در مطبوعات و رسانه های بین المللی پیدا کرد. هزینه هم پس از ۵۰ سال طرفداران رژیم پهلوی نتوانسته اند برای آن توجیهی منطقی پیدا کنند. «پیام شوکراس در کتاب «ایران برضد شاه» هزینه این جشن را سیصد میلیون دلار و «نرزان لوری» میانی آن را بیش از پانصد میلیون دلار برآورد کرده اند.»^۲

هزینه های این جشن که می توانست، بخشی از معضلات اقتصادی و اجتماعی کشور را برطرف کند، در همان زمان به چالشی برای رژیم تبدیل شد. در کشوری که هر روز فاصله ی طبقاتی بیشتر می شد و مردم از ابتدایی ترین امکانات مادی محروم بودند، این مراسم چیزی جز نمایشی از یک دنیای خیالی و متوهم نبود. جشن های ۲۵۰۰ ساله به مخالفین رژیم که در دهه ۵۰ طیف های

۱. پارسونز، آنتونی، غرور و سقوط، مترجم منوچهر راستین، انتشارات هفته، چاپ اول، ۱۳۶۳، صص ۹۲ - ۹۰. برای آگاهی از برنامه ها و اقدامات رژیم در برگزاری جشن هنر شیراز رک: جشن هنر شیراز به روایت اسناد ساواک، تهران، پیشین
۲. رک: شوکراس، ویلیام، ایران برضد شاه، ترجمه احمد فاروقی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵، ص ۴۱ - هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، آخرین شاه، تهران، انتشارات البرز، ۱۳۷۷، ص ۴۸

مختلفی را تشکیل می‌دادند، امکان داد تا با قدرت بیشتری به نقد رژیم بپردازد. در همان زمان گزارش‌هایی منتشر می‌شد که نشان می‌داد رژیم پهلوی برخی از مناطق محل برگزاری جشن در شیراز و سایر نقاط کشور را به دلیل وضعیت اسفبار مردم از چشم خارجی‌ها حصار کشی و پنهان کرده است.^۱ به رغم مخارج هنگفت این مراسم، اما جشن‌های ۲۵۰۰ ساله برای حضرت امام (ره) چیزی فراتر از هزینه‌های صورت گرفته در آن بود. امام خمینی (ره) با درک عمیق از ماهیت واقعی این جشن‌ها، کانون طراحی و توطئه را دشمنان اسلام معرفی کرده و مبنای اصلی مخالفتش را بر انگیزه‌های ضداسلامی این جشن‌ها قرار داد. بیانات حضرت امام (ره) درخصوص این جشن‌ها بیانگر نگاه عمیق معظمله به موضوع است:

«بدین جهت اسلامی بگوئید که نروید در این جشنی که اسرائیل دارد بساط جشنش ۱۰ به می‌کند. کارشناس‌های اسرائیل در اطراف شیراز دارند بساط جشن را درست می‌کنند در این جشن که کارشناس‌های اسرائیلی دارند این عمل را می‌کنند، نروید.»^۲

واقعیت آن است که جشن ۵۰۰ سال شاهنشاهی تجلی بارز جریانی بود که از سال ۱۳۰۴ ه‍.ش و حتی قبل از آن کوشیده بود تا با رنج عقاید غرب و تکیه بر باورهای پیش از اسلام، دوران اسلامی کشور را به فراموشی بسپارد. نگاهی به اقدامات و عملکرد رژیم پهلوی خصوصاً در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به وضوح نشان می‌دهد که باستان‌گرایی و کوبیدن بر طبل ملی‌گرایی صرفاً ابزاری برای تضعیف اسلام و مقدمه‌ای برای غربی کردن جامعه بوده است. بی‌توجهی به مسائل باستانی و غارت اشیاء متعلق به این دوران و از همه مهم‌تر بی‌توجهی رژیم به تخریب این آثار این نتیجه را کاملاً تأیید می‌کند. به این ترتیب باستان‌گرایی تبدیل به ابزاری برای جدایی میان دوره‌های مختلف تاریخی کشور و فاصله انداختن میان مردم ایران با سایر کشورهای مسلمان منطقه شد.

اسناد مجموعه حاضر بیانگر درک درست انقلابیون استان کرمان از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله است. از آنجایی که رژیم اولویت ویژه‌ای برای این جشن‌ها در نظر گرفته بود، از اوایل سال ۱۳۵۰ اقدام به کنترل کسانی گرفت که بالقوه می‌توانستند علیه این جشن موضع‌گیری کرده یا نسبت به آن انتقاد کنند. روحانیون از اولین کسانی بودند که به باور رژیم می‌بایست تحت کنترل قرار گرفته تا در منابر مردم را از ماهیت این جشن آگاه نکنند.^۳

۱. برای اطلاع از مخارج و اقدامات رژیم پهلوی برای برگزاری این جشن رک: بزم اهریمن، جشن‌های دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و درباره، ۴، جلد، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی ۱۳۷۷

۲. صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۹

۳. برای آگاهی از محدودیت نیروهای انقلابی در خلال جشن‌های ۲۵۰۰ در استان کرمان نک: ۱۳۵۰/۲/۲۵ شماره ۵۰/۵/۲۱، ۵۸/۳۶۵۲، ۱۳۵۰/۵/۱۳، شماره ۸/۱۰۷۶۹، ۱۳۵۰/۵/۱۶، شماره ۸/۱۰۷۷۱، ۵۸/۱۰۷۵۶، ۵۰/۵/۲۱

به موازات طرح‌های تبلیغاتی رژیم که در بالا به اختصار تشریح شد، در استان کرمان رژیم به شدت به دنبال اجرای برنامه‌های خود برای مقابله با طرفداران امام (ره) بود. همانگونه که در مجلد قبلی نیز به آن اشاره شد، روحانیت استان کرمان در این مقطع به انسجام و هماهنگی نسبی رسیده و اقدامات خود را براساس منویات نجف و قم تنظیم می‌کرد.

۳) جلسات قرائت قرآن و تشکیل انجمن‌های مذهبی

از محدود امن‌ترین‌های انقلابیون استان کرمان در دهه‌ی ۴۰، جلسات قرائت و تفسیر قرآن بود. این جلسات نه در مساجد و منازل تشکیل می‌شد، فرصت و امکانی بود که در آن جوانان علاوه بر آشنایی با قرآن، مباحث سیاسی، اعتقادی روز را نیز مورد بررسی قرار می‌دادند. اعضای این جلسات را طبقات مختلف مردم خصوصاً جوانان تشکیل می‌دادند، از این‌رو بارها در گزارش‌های رژیم به احتمال انحراف فکری این تشریقات اشاره شده است.^۱ در بسیاری از اسناد، جلسات مذهبی اقدامی صوری برای فعالیت سیاسی عنوان شده است:

«روحانیون شرکت کننده در این جلسه از جمله وعاظ مغالطه کرده که هر یک دارای سوابقی می‌باشند و امکان دارد در نهان اقدامات مخفی انجام و برحسب ظاهر جلسه قرائت قرآن تشکیل داده باشند»^۲

این جلسات از اواسط سال ۱۳۴۵ به تدریج جنبه سیاسی بیشتری به خود گرفته و به مباحث مختلفی از جمله مبارزه با بهائیت ورود پیدا کرد. در سندی در این زمینه به این‌صورت مربوط به سال ۱۳۴۷ آمده است:

«در بعضی از جلسات پس از ختم قرائت قرآن برخی از حاضرین به تخریب مسجد امیر احمد سادات خراسانی در نظر دارند وارد بحث‌هایی مانند بهائیت و نحوه مبارزه با آنان میشوند»^۳

روند استقبال از این جلسات به حدی بود که براساس یکی از گزارش‌های ساواک در قریه مهدی‌آباد- نزدیک رفسنجان- ظرف مدت ۲ ماه ۱۲۰ نفر در این جلسات شرکت کرده‌اند.^۴ از همان

شماره ۸/۱۰۸۷۳/۵۱۲۶/۱۳۵ فاقد شماره، ۵۰/۵۱۲۷/۵۱۱۰۸۶ ه و ۵۰/۴۱۲۹/۵۰ شماره ۴۸۹۸ ه و ... همین مجلد

۱. سند مورخه ۴۸/۷/۵ شماره ۸/۱۱۰۶۸ ه. همین مجلد

۲. سند مورخه ۴۷/۳/۲۱ شماره ۸/۶۰۲۱ ه. همین مجلد

۳. سند مورخه ۱۳۴۷/۱۱/۲۶ شماره ۸/۱۶۱۴۳ ه. همین مجلد. از انجمن‌های فعال در این مقطع زمانی که در اسناد نیز به آن اشاره شده است می‌توان به: انجمن جوانان عصر مهدیه و هیئت منتظر المهدی اشاره کرد. سند مورخه ۵۰/۸/۲۷ شماره ۱۲۷۱۴ ه. همین مجلد

۴. سند مورخه ۱۳۴۸/۴/۷ شماره: ۸/۶۰۱۵ ه. همین مجلد

زمان به دلیل اهمیت این جلسات دستور کنترل آنها صادر شد. در اواخر سال ۱۳۴۸ اداره کل سوم ساواک، از ساواک کرمان می‌خواهد تا اسامی و تعداد مدارس علوم دینی، میزان شهریه، اسامی و تعداد هیئت‌ها، انجمن‌ها، کانون‌ها و جمعیت‌های استان را تهیه کند.^۱ ساواک نیز در چند مرحله در سال ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ گزارش‌هایی در این مورد به مرکز ارسال کرد. در یکی از این گزارش‌ها راجع به هیئت‌های مذهبی استان آمده است:

«در شهرستان کرمان تعداد قابل توجهی هیئت‌های مذهبی تحت عنوان جلسات قرائت قرآن و قرائت دعای ندبه موجود است که هفتگی یک تا دوبار تشکیل جلسه داده. این جلسات یا در منازل افراد ... و یا صبح‌های جمعه در مسجد و تکایا تشکیل می‌شود»^۲

۴) تحریم جشن‌ها و مراسم مذهبی

تقابل طرفداران امام (ره) رژیم پهلوی در جریان جشن‌ها و مراسم دولتی از یک سو و مراسم شعائر دینی از سوی دیگر به این خشم رسید. رژیم می‌کوشید تا با پررنگ جلوه‌دادن مراسم دولتی و مشارکت دادن همه‌ی اقشار جامعه، خصوصاً روحانیت برای خود مشروعیت کسب کند. روحانیت نیز مهم‌ترین فرصت برای نشان دادن مخالفت خود را عدم شرکت در این مراسم به بهانه‌های مختلف و پررنگ جلوه‌دادن شعائر مذهبی می‌دانست. عدم شرکت روحانیت در مراسم دولتی علاوه بر اینکه اصالت این جشن‌ها را به چالش می‌کشید، این پیام را برای مردم و حاکمیت داشت که روحانیت سیاست‌های رژیم را مطابق با موازین شرعی نمی‌داند. در استان کرمان روحانیون مخالف رژیم که بارها در اسناد این مجموعه به آنها اشاره شده از شرکت در این مراسم سرباز می‌زدند.^۳ در سندی در همین خصوص آمده است:

«برابر اطلاع واصله در مراسم دعا و نیایش و رفع خطر از وجهه شاهنشاهی آریامهر هیچیک از روحانیون و وعاظ مشروحه زیر که ساکن شهرستان رفسنجان می‌باشند شرکت نکرده بودند»^۴

۱. سند مورخه ۱۳۴۸/۱۲/۱۰ شماره ۳۱۶/۵۹۸۰، همین مجلد
۲. سند مورخه ۱۳۴۸/۱۲/۲۰ شماره ۱۵۰۵۷/ه، همین مجلد. در همین گزارش تعداد طلاب و چگونگی فعالیت روحانیت در شهرهای رفسنجان، بم، جیرفت و سیرجان ارائه شده است.
۳. در سند مورخه ۴۷/۱/۱۱ شماره ۸/۴۳۱۱/ه، اسامی برخی از روحانیون مخالف رژیم آمده است. جلد ۲ از همین مجموعه، در سند دیگری در ۵۷/۱/۱۹ شماره ۸/۱۵۹۶۷/ه نام ۲۷ نفر از کسانی که در این مراسم شرکت نکرده‌اند آمده است. همچنین نک: ۱۳۵۱/۸/۱۶ شماره ۸/۸۳۳۹/ه، ۴۹/۱/۲۹ شماره ۸/۲۳۸۲/ه، همین مجلد
۴. سند مورخه ۱۳۴۷/۱/۲۹ شماره ۸/۴۸۱۲/ه، جلد ۲ از همین مجموعه. در انتهای همین سند آمده است: «وعاظ مشروحه زیر از جمله روحانیون مخالف دستگاه بود و در هیچ یک از جشن‌های ملی و میهنی شرکت نمی‌نمایند». نک: ۴۹/۲/۹۱ شماره ۸/۲۳۸۲/ه، همین مجلد